

آرمان



نشریه دبیرخانه خارجی

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

دی ماه ۱۳۵۴

سال اول ، شماره ۱۰

ضحاک زمان خون میخواد

۹ جوان دیگر در روز ۴ بهمن اعدام شدند

بار دیگر به تومار جنایات محمد رضا شاه با کشتن ۹ جوان افزوده شد . این جنایت تازه که مستقیماً برای خوشنود کردن امپریالیسم امریکا و سرمایه داران کلان انجام شد بار دیگر چهره ضد مردمی و خوانخواه بختک مستولی بر جان و مال مردم ایران را نشان می دهد .

این نه جوان که به جوخه اعدام بسته شدند عبارتند از : رحیم افراخته محمد طاهر رحیمی ، سید محسن خاموشی ، مرتضی ضمدیه لباف ، محسن بطهائی ، ساسان صمیعی بهبهانی ، عبدالرضا منیری جاوید ، مرتضی لباف نژاد و سردی عیوران . دادگاه نظامی شاهنشاهی بدوی از گروه ۱۱ نفری - که بهر حال متهم سیاسی - بودند ۱۰ نفر را با اعدام و یکی از آنها را به زندان ابد محکوم کرد . دادگاه تجدید نظر فرمایشی در یک نشست ویرخواست حکم اعدام ۹ نفر را تأیید و یک نفر را به زندان ابد محکوم کرد .

شاه به مثابه ضحاک زمانه برای بقا * سلطنت ورژیم پوسیده خود خون میخواست و این خون را ریخت . او دمان میکند که میتواند بوسیله ایجاد ارباب ، زندان ، اعمال شنیبه و کشتار و تیربازان چند صباحی بیشتر بزندگی نکبتار رژیم استبدادی سیاه خود ادامه دهد . رژیم شاه است که تروریسم را در وحشی ترین نوع خود در سطح دولتی سازمان داده ولی مخالفین خود را تروریست مینامد . تروریسم دولتی در هر حال بدون تردید نشانه قدرت رژیم شاه نیست ، بلکه علامت

آنست که شاه میکوشد بکمک ارباب قدرت حاکمه را در چنگ خود نگاه دارد . ولی این واقعیت را نیز باید در نظر داشت که این رژیم سیاه ضد مردمی که برای حفظ خود به شیوه های فاشیستی حکومت تبدیل شده درست بدلیل احساس ضعف دست از کشتار روز افزون نخواهد کشید ، مگر اینسکه در برابر صف متحد تمام نیروهای ضد رژیم و ضد امپریالیست در داخل و اعتراض خروشان افکار عمومی جهانی از خارج قرار گیرد .

بنابراین باید با تشدید مبارزه متحد و متشکل باید دست این جلاد را از تبه کاری بیشتر کوتاه کرد . از این جهت دبیرخانه خارجی سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران در فراخوانی که به این مناسبت انتشار داده تحت عنوان

برای افشا، هرچه بیشتر اعمال فاشیستی رژیم شاه وحدت عمل همه نیروهای ضد رژیم شاه لازم است !

چنین آمده است :
یکی از وظائف نیروهای مبارز راستین ضد امپریالیست خارج از کشور افشاء شیوه های فاشیستی حکومت داری رژیم شاه و برانگیختن اعتراض پیوسته محافل دمکراتیک جهانی است . این اعتراض و همبستگی با مبارزین درون کشور هنگام میتواند کارا و اثر بخش باشد که مبارزین راستین خارج از کشور بدون در نظر گرفتن وابستگی های گروهی و اختلاف سلیقه و اختلاف ایدئولوژی برای نجات جان مبارزین از چنگال رژیم متحدان به مبارزه اعتراضی و افشاگرانه بپردازند
رفقا !

مبارزات افشاگرانه برای نجات میهن پرستان را باید شدید تر و همه جانبه تر کرد . بهر وسیله ای که بتوان باید سکوت مطبوعات بورژوازی و دستگاههای تبلیغاتی دولتی محافل سرمایه داری را شکافت .

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

حکم اعدام امبارز

بد نیال اعلام خبر صدور احکام جابرانه پیدادگاههای شاه، جنیش بسیار وسیعی علیه این احکام بوجود آمد. بخشی از فعالیت‌هایی که در سطح جهانی تا هنگام بسته شدن "آرمان" بدست ما رسیده است به آگاهی میرسانیم. بعنوان اولین موفقیت نیروهای ضد رژیم باید گفته شود که دادگاه تجدید نظر در روز ۱ بهمن تشکیل شد و شاه مجبور شد که خبر تشکیل این دادگاه را اعلام نماید. رژیم سیاه شاه سعی داشت که دادگاه تجدید نظر را مانند دادگاه بدوی بدون هیچگونه اطلاعی انجام دهد و اصولاً دادگاه تجدید نظر نتیجه مستقیم فعالیت‌های پیگیر نیروهای ضد رژیم برای تجهیز افکار عمومی مردم جهان است.



افکار عمومی فرانسه از احکام
پیدادگاههای شاه خشمگین است

شش وکیل و پدگستری فرانسوی که سابقاً در زمانهای مختلف و بمناسبت محاکمات نظامی گوناگون بعنوان نمایندگان سازمانهای حقوقی و قضائی بین‌المللی بایران سفر کرده‌اند طی اعلامیه مشترکی علیه صدور ده حکم اعدام اعتراض کردند. این شش وکیل دادگستری عبارتند از: بانو فرانسوا روزلار، آقایان نوری آلبالا ایوبودلو، کریستیان بورگه، ورفران واله، پرنارگوتسه. این شش حقوقدانان در اعلامیه خود شکجه دائمی را که رژیم ایران به یک نهاد و یک سیستم حکومتی بدل کرده، محکوم می‌کنند و خصلت شرم‌آور و مخفیانه بازپرسی‌ها و عمل دادگاههای نظامی ایران را که نمونه تروریسم واقعیتی دولتی هستند فاش می‌سازند.



روزنامه اومانیته ارگان مرکزی حزب کمونیست فرانسه در شماره‌های مختلف خود اخبار مربوط به اعتراضات و اقدامات علیه صدور احکام جابرانه اعدام را منتشر ساخته و مینویسد که باید کوشید تا دادگاه تجدید نظر بطور علنی و با حضور مردم تشکیل شود و ناظران بین‌المللی امکان شرکت در آنرا پیدا کنند. این روزنامه خواست اعزام گروهی از حقوقدانان بین‌المللی را برای شرکت در محاکمه

تجدید نظر منعکس می کند • آقای آتری الگ روزنامه نویس معروف فرانسوی و صاحب کتاب مشهور شکنجه در مقاله ای که در صفحه اول روزنامه اومانیتیه در افشاء تبلیغات دروغ پردازانه ضد شوروی و ضد سوسیالیستی افعال امپریالیسم نگاشته • دامنه سخن را به اختناق و ترور در ایران میکشاند و مینویسد: در ایران همین اخیرا ده حکم اعدام صادر شده • و این بدنبال آن فهرست ۲۵۰ نفری از جوانان ایرانی است که طی سه سال اخیر کشته و شکنجه شده اند • شاه به چنایت خویش در زندانها ادامه میدهد ولی دستگاه تبلیغاتی جهان سرمایه داری لب بسته ساکت است •

رژیم ترور و اختناق شاه

نفرت افکار عمومی ایتالیا را برانگیخته است

لوجی لونگو صدر حزب کمونیست ایتالیا و رجل برجسته سیاسی آن کشور شخصا نوشتن مقاله ای در روزنامه اونیتا حکومت فاشیستی شاه را محکوم کرده و احکام اعدام ۱۰ جوان را در بیدادگاه های نظامی را بعنوان ضعف رژیم شاه میدانند • در این مقاله لوجی لونگو خواستار جبهه وسیع برای دفاع از میهن پرستان و زندانیان سیاسی ایران که مورد پیگرد و در خطر نیستی بوسیله ترور دولتی رژیم شاه قرار دارند شده است •

شهردارهای شهرهای معتبری مانند فلورانس و یلونیوا رژیم شاه را محکوم کرده و خواستار لغو احکام دادگاه شده اند •

کمیته متحده برای دموکراسی در ایران با همکاری سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران توانست در ایتالیا جنبش وسیعی علیه رژیم شاه را سازمان دهد • این دو سازمان توانستند با همکاری سازمانهای کارگری و احزاب ایتالیا خیر محکومیت این ۱۰ جوان را به تمام اقشار و طبقات مختلف مردم ایتالیا برسانند •

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران توانست او را ق همبستگی یا دمکرات ها و آزادیخواهان ایران را در کارخانه و کارگاه ها به صورت وسیع پخش نماید •

اعتراض افکار عمومی جهان

علیه محکومیت چهار
نویسنده مترقی ایران

دستگیری و محکومیت چهار نویسنده مترقی و وطن پرست ایران، دکتر محمود دولت آبادی، نصرت رحمانی نژاد، سعید سلطانیپور، محمود یلفانی خشم و انزجار مردم پیشرو دست جهان را برانگیخته است.

کنفرانس کلوب قلم (پن کلوب)
دولت ایران را محکوم می کند

"چهلمین کنفرانس کلوب قلم که یکی از مهم ترین سازمانهای نویسندگان جهان است در روزهای ۱۷ تا ۲۱ دسامبر ۱۹۷۵ در پایتخت اتریش برگزار بود. در جریان این کنفرانس نمایندگان و نویسندگان ۱۰ کشور اعتراضیه ای علیه دولت ایران اضا کردند و این نامه اعتراضیه جهت دولت ایران ارسال شد. خیبر همبستگی بین المللی کلوب قلم بخاطر دفاع از هنرمندان زندانی در محافل روشنفکری جهان انعکاس یافت."

نویسندگان و ادبای اتریشی از همکاران
ایرانی خود و زندانیان سیاسی دفاع
میکنند

عده ای از نویسندگان و ادبای اتریشی علیه دستگیری و محکومیت چهار نویسنده تلگرام اعتراضی زیر را به دولت ایران ارسال داشته اند.

"ما نویسندگان اتریشی شدیداً علیه زندانی شدن همکاران خود اعتراض میکنیم ما تنفس خود را از پایمال کردن حقوق بشر در ایران اعلام میکنیم و خواستار آزادی زندانیان سیاسی ایران هستیم."

این موضع گیری نویسندگان اتریشی در وسائل ارتباط جمعی از آن جمله در رادیو بازتاب گسترده ای داشت.

روزنامه صدای خلق ارگان حزب کمونیست اتریش نیز این تلگرام را با مقاله ای درباره رژیم اختناق و ترور در رابطه با دستگیری و محکومیت نویسندگان و هنرمندان ایرانی آورده است.

فعالیت‌های افشاگرانه در خارج از کشور

دانشجویان اشتراسیبورگ، وابسته به سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران دست به یک رشته اقدام‌ها زدند. در دفاع از نویسندگان زندانی، در افشای جنایت‌کارانه‌های پهلوی شاه، در توضیح اینکه شکنجه‌های حیوانی، عمل روزمره، در خیمان شاه شده و همه انواع شکنجه‌های قرون وسطائی و "مدرن" نوع آمریکائی در سیامچال‌های ساواک رواج دارد.

دانشجویان اشتراسیبورگ در این مضمون اعلامیه و برگه‌های توضیحی چاپ و منتشر کردند. از مردم فرانسه خواستند طوماری را که در محکومیت رژیم شاه ایران منتشر کردند امضاء کنند و از آنها برای مشاهده نمایشگاه عکس و شواهدی که در کاخ دانشگاه بوسیله ODYSSEY و سازمانهای دانشجویی مسراکش، تونس، سوریه و فلسطین تشکیل یافت دعوت نمودند. هر انسان شریفی، هر ایرانی وطن پرستی طبعاً از این اقدامهای میهن پرستانه و مبارزات آزادیخواهانه، دانشجویان اشتراسیبورگ پشتیبانی میکند و یا لااقل با حسن نظر و تحسین بدان می‌نگرد و بهمین سبب شما تعجب نخواهید کرد اگر بشما اطلاع دهیم که مائوئیست‌ها با خشم و کین کم سائیه‌های در صدد خنثی کردن تأثیر کار دانشجویان اشتراسیبورگ بر آمدند.

آنها با اصطلاح اعلامیه یا دقیق‌تر بگوئیم فحشنامه‌ای انتشار دادند و در آن خواسته‌اند که "هان! ای مردم کمک نکنید امضاء نکنید، چرا که این دانشجویان دموکرات "شارلاتان" هستند، یعنی دروغ می‌گویند و بوی نفع خویشند" مائوئیست‌ها اعلامیه خود را با "مرگ بر حزب توده ایران" پایان دادند. حتی ناگفته نگذاریم که مائوئیست‌ها نه بنام خود بلکه بنام کفدراسیون دانشجویان اعلامیه پخش کردند تا شاید چهره کسریه خود را کمی بپوشانند. پنهان شدن پشت کفدراسیون بدلیل آنستکه مائوئیست‌ها خود میدانند که دیگر رسوا شده‌اند و اندیشه‌های "..... آنان خریداری ندارد."

آن اقدام‌های عقید و موثر دانشجویان رزمنده، اشتراسیبورگ نشانی سریع نفوذ سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایرانی و گواهی است بر شمر بخشی مبارزات آن و این اوباشگری مائوئیست‌ها گویای این حقیقت که توسعه و پیشرفت و استحکام مبارزات خشم مائوئیست‌ها را بسد حد دیوانگی رسانده است. سپس دانشجویان اشتراسیبورگ برگه‌ای در توضیح خرابکاریه‌های گروه مائوئیست انتشار دادند زیر عنوان "ساواک جز این میکند؟"

پرسی بجائی است و پاسخ آن امروز دیگر روشن تر از آفتاب است. - نسہ
 جز این نمیسگرد!
 زیرا این هر دو یک جان اندر دو قالب اند.



عکس با لا نمایشگاه عکس جوانان و دانشجویان دهنات را در استراسبورک نشان میدهد
 که مورد توجه زیاد اهالی و بویژه دانشجویان قرار گرفت.



افشاء رژیم فاشیستی شاه و پاریس

سازمان جوانان حزب کمونیست فرانسه جلسه بحث و انتقاد وسیعی در پاریس بر پا کرد. در این جلسه جوانان و دانشجویان دمکرات ایران اقدام به فروش کتب و نشریات افشاگر نمودند.

دوستان فرانسوی بخاطر تهیه وسایل مالی بیان همبستگی خود با زندانیان سیاسی و چاپ پلاکاتها و ارسال تلگرامها مصندوق ویژه‌های گذاشته و از حضار اعانه به‌مخاطر زندانیان سیاسی، جمع‌آوری میکردند در همین جا نمونه‌هایی از تراکت و پوسترهائی که توسط جوانان و دانشجویان مترقی ایران تهیه شده و اوضاع کشور ما را نشان میداد و همگان را با ابراز همبستگی را زندانیان سیاسی ایران فرا میخواند نصب شده بود. ضمیمه شماره ۳ نشریه آرمان که حاوی گواهی روزنامه‌نگاران و اظهار نظر یک وکیل دادگستری درباره ایران بود به زبان فرانسه در دسترس جوانان پاریس قرار داده شد و وسیعاً به فروش رسید. در همین جلسه پرشور تراکتی زیر عنوان "نابودی جسمی زندانیان سیاسی در ایران" توزیع گردید. در تراکت جوانان کمونیست فرانسه ماده‌ای از اعلامیه جهانی حقوق بشر درباره شکنجه ذکر شده و بلافاصله واقعیت زندانهای ایران و جنایات ساواک و پرونده سازبها و تبعید و شکنجه روشنفکران و دانشجویان یادآوری میگردد. در همین جا در تراکت مزبور از زندانی و شکنجه‌گردن چهار نویسنده مترقی ایران و اینکه محاکمه آنها در خفا صورت گرفته و ایشان امکان دفاع از خود را نداشته‌اند و توسط جلادان ساواک شکنجه گردیده‌اند توضیح داده میشود. این تراکت با شعارهای "زند بباد همبستگی با خلق‌های ایران"، "بزندانیان سیاسی کمک کنیم"، "از نبرد برای آزادی در ایران پشتیبانی نمائیم" پایان میابد. در این جلسه همبستگی، جوانان و دانشجویان دمکرات ایران موفق شدند با کمک جوانان کمونیست پاریس نقش خود را در افشاء رژیم فاشیستی شاه بخوبی ایفاء کنند و نظر افکار عمومی پاریس را به وضع ناگوار زندانیان سیاسی ایران جلب کنند.



از هر امکانی برای افشاءگری رژیم منفور شاه استفاده کنیم

معرفی کتاب

مؤسسه نشریاتی پال روگنشتاین داستان



را به زبان فارسی تقدیم میداریم. بهار ۱۰۰۰ مارک

M. A. Beh'Azin
Gast bei diesen Herren

Pahl-Rugenstein Verlag
5 K812 51 Vorgebirgsstraße 115
Tel. 352501 W. Germany

* راه دویس نیست: یازده روز در جوار غربت
* بدون مرز و مرزهای زبانی و سیاسی
* حق را بداند و برایشان بگذرد و بداند که راست است
* نشان راه زبانی و حق گویند: بزبان زبانی
* موسسات حق نبویست: خانه درین کتبه
* زشتی و بدی را که برود: اما نماند حق
* به اختیار آید: پس از آن همه آنچه نیاز
* در مرکز ادبیات جای دارد: حمت و شترزنده
* آن است

۱۰۰۰ به آفرین - مهمان آفغان - ۱۰۰۰ مارک

"مهمان این آفغان"

کتابی است که اخیراً در تهران
فارسی در آلمان فدرال
گردید.

این کتاب را به آذین،
نویسنده معروف براساس
مشاهدات خود در زندان تو
است: زندان قزل قلعه،
زندان قصر، زندان ساواک،
زندان شاه، زندان امپریال
به آذین در این کتاب
فریاد نمیکشد، شعار نمیدهد
حتی میتوان گفت در مباحث
سیاسی که میشوند، هر کجا
حرفهای قابل پیگوشی
معلقان و پخته فاصله می

گیرد، دقیق میشود و روی
ضعفها انگشت میگذارد
اینکار را مثل یک آقا معلم
نمیکند، بلکه منطق فطری را
که جلی هر انسان است،
مخاطب قرار میدهد در

هر حکمی دلسوز است بدون

اینکه بخواهد صمیمانه دلسوزی میکند: برای سرنوشت زندانیان سیاسی،
برای زندگی سیاسی و برای زندگی عمومی در ایران
چهرهها را با چند خط تند، ولی دقیق جاندار ترسیم میکند. همه بازیگر
کتاب او زبان، قیافه با حداقل نگاه گویا دارند. چه آنها که رنج
میدهند، چه آنها که مقاومانه، صبورانه، منفعلانه یا از روی ترس رنج
میبندند.

انگیزههای درونی و بیرونی از پرده ابهام بیرون میآیند. ذهنیتها و
عینیتها در هم عمل میکنند و مجموع بصورت آمل و آرزوهای پرزور ملتی
در مایه که در زیر شدیدترین اختناقها، چاره‌ای جز تلاش برای تحقق

آمال انسانی خود ندارند.

نویسنده دید تاریخی دارد و در کتاب خود نشان میدهد، که یک یک اپس-سروشها، تلاشها، اگرچه در یک محیط جامد، عقیم و روح مرده، ظاهراً بهیچاصلاً انجام میشوند، در حقیقت شکوفه های یک پیکار منظم و همهجانبه اند و لامحاله روزی "شیر زیان را پوست خواهند درانید" و این تحقق، یک مسئله زمانی است و در آن جای تردید نیست.

شاید هم بهمین دلیل است که امید سراسر کتاب را شخم زده و بارآور کرده است. و این همه امید اگر مبتنی بر منطق، بینش و ایمان به انسانیت نمی بود، نمیتوانست اینگونه صادقانه در این کتاب جلوه کند. بالاخره به آذین مبارز سالخورده ایست که بیجهت دچار سرمستی های بیجای فتح نمیکرد. و بعبارت دیگر او میداند، که چرا صاحبانه امید را تلف میکند.

نکته شگفت در "مهمان این آقایان" اینست که نویسنده در مورد عمده ظلم و بالادستان آنها، که هرچه بلند پایه تر، بهیچمنش تراند - هیچگاه دچار طفیان نمیشود. آنها را خون سردانه بررسی میکند، همچنانکه گویند قبل از صعود و چیرگی، گوشت را مطالعه میکند. اگر یک احساس انسانی نسبت به آنها نشان میدهد، چیزی جز اندکی تمسخر یا ترحم نیست، بسته باینکه رفتار و عقل آنها چه باشد.

این کتاب که مقاومت های جمع را ترسیم میکند، نقطه عطفی در تاریخ ادبیات ایران است. قبل از "مهمان این آقایان" بطور عمده ناسا ما تیبها، و آنچه و شاید نیست اقدام توصیف میشود.

به آذین در جریان وصف زندانیان، زندانبانان و زندان نه تنها پیکار را در تئوری و عمل وصف میکند، بلکه ادامه منطقی آن، یعنی دورنمای لامحاله، دورنمای جبری را هم به احساس و اندیشه خواننده منتقل میسازد. به آذین در حقیقت و در نهایت بی پرواگی این تالسی *alternativ* را جلو چشم خواننده میگیرد. این تالی من درآوردی به آذین نیست بلکه یک تحمیل تاریخی است. که یا مسلمان باش یا کافر راه سوم وجود ندارد. پیکار به یک مرحله کیفی بالاتر رسیده است و در اینجا همانقدر نادانسی، نذا تم کاری خطرناک است که "به نعل و به میخ زدن"، هم مرید گدبه بودن و هم ساکن میخانه شدن "احمقانه و غیرقابل قبول".

به بینیم به آذین خود چه میگوید. راه دو بیش نیست. یا مزدور و ریزه خور قدرت بودن، فراغت بی شمرش را به زیباییها آراستن، حق را در پایش

قربانی کردن؛ و یا درکنار مردم بودن، امید را در ایشان زنده داشتن، دیدگان را به زیبایی و حق گشودن، زیرا که زیبایی نیرو است و حتی نیرواست خاصه در زمینه گسترده زشتی و بیدادی که بر مردم می‌رود. اما زیبایی و حق به اعتبار آدمی است به پس‌آدمی و همه آنچه نیما ز زندگی اوست شرط شکستگی تن و جان اوست، در مرکز ادبیات جای داده به آذین با این کتاب یک سلاح معنوی بسیار کارا با نفع خلقهای محروم ایران درست کرده به نقل از مارکس، هرچقدر این سلاح معنوی بیشتر گسترش یابد، جنبه مادی آن بیشتر خواهد شد.

ما برای این جنگاور پیر، که یک‌دست خود را در لباس سربازی در جنگ بین الملل دوم باخته و زندگی آرام و مرفه تقاعد ارتش را فدای پیکانی برای بهروزی ایران ساخت و چون زنبور تمام هستی خود را در نیش این کتاب نهاده است آرزو می‌کنیم که بتواند بچشم خود ثمرات کتاب را ببیند.

شاید این نکته به گفتنش بی‌ارزد است.
چقدر فرق است میان نویسنده "مهمان این آقایان"، که همچو کتابی را دلاور کرد و خیل خاشاک و لجنه جنیان، پشت دست لیس و گوزپشت از تعظیم "دانشمندان"، که برغم وجدان و دانش خود این احمق ازل و ابد، این شاهنشاهی بی همه چیز را روی سرشان گذاشته‌اند و حلوا حلوا میکنند.



دفاع از زندانیان سیاسی

وظیفه هر میهن‌پرست است

مصاحبه

گزارشگر آرمان با آقای نوی هوفر
Neuhöfer مدیر بنگاه نشر کتاب پال روگن شتتاین و ناشر "مهمن"
این آقایان

س- شما اخیرا کتابی به زبان فارسی منتشر کرد هاید؟

ج- بلیه "مهمن این آقایان".

س- آیا غیر معمول نیست که یک ناشر آلمانی، کتابی به یک زبان خارجی منتشر سازد؟

ج- آنچه میتواند غیر معمول باشد این واقعیت است که زبان پارسی برای ما زبانی است بیگانه.

س- انسان به عنوان ناشر باید اهل حساب باشد، فروش این کتاب چقدر خواهد بود یا به عبارت دیگر به چه دلیل شما با انتشار این کتاب خطر خسارت را می پذیرید؟

ج- بعنوان ناشر باید انسان گاه دست به کارهایی بزند که از لحاظ اقتصادی حتما مقرون به صرفه نیستند. این کتاب به روشنگری سیاسی کمک می کند.

موضوع کتاب شرح اوضاع و احوال سیاسی وطن شما از دیدگاه یک زندانی سیاسی

است. حالا ممکنست این پرسش مطرح گردد که آیا این کتاب نمی بایستی در ایران

منتشر می شد. ولی صحبت بر سر آزادی اندیشه و امکانات انتشار در وطن شما

است که کماکان سرنوشت تلخی دارند. من خواستم تا مضمون و محتوی کتاب را

برایم تشریح کنند. این کتاب ادعای نامه ای در هم گویند و علیه تکلیف سیاسی قرون

وسطائی مسلط بر وطن شماست. هنگامیکه در این کتاب چهره بی پرده رژیم

ایران عیان میگردد، رژیمی که عزیز دردانه بسیاری از کشورهای غربی است، موی

پر اندام آدمی راست میگردد.

س- آیا شما با اوضاع و احوال ایران آشنا هستید؟

ج- البته نه بخوبی، شما، ولی میدانم که در کشور شما اخیرا چهار نویسنده بی

حس های سنگین محکوم شده اند و قبل از آن عده ای دیگر و باز پیش تر از آن

گروهها و گروههای دیگر، و من میدانم که دانشجویان منتقد دسته دسته از

آموزشگاهها اخراج میگردد و به سرباز خانه ها فرستاده میشوند. من همچنین

میدانم که علوم عقلی در کشور شما اجازه دارند فقط یک هدف داشته باشند و آن

پرورش یک عظمت طلبی زشت و تجلیل از بنده پروری پهلوی است. این قرون

وسطای سیاسی جسم و روح زحمتکش و روشنفکران ایران را خورد میکند. در

در دورانی که تمام خلقها راه بسوی آینده ای انسانی میکشایند رئیس ایران نباید بیش از این امکان یابد تا با تردستی های تبلیغاتی چهره خود را بپوشاند . چندی پیش خواندم که شاه سخن از "انقلاب سفید" میگوید . مضاف بر این او فرمول تبلیغاتی جانسون یعنی "جامعه بزرگ" را تقلید کرده و رژیم خود را بعنوان "تمدن بزرگ" اعلام کرده است .

شما بهتر از من میدانید که اطلاق مفاهیمی نظیر "انسانی" "دموکرات" یا "انقلابی" به رژیم کشور شما نادرست است و ما در اینجا با يك رژیم بسیار زشت سرمایه داری روبرو هستیم . من امید وارم که آدمی در این کتاب ، ایران واقعی با چهره مجروح و خون آلود و نمونه های درخشانرا باز شناسد . در این قرن بیستم انسانیت ، تمام جامعه انسانی ، راه به سوی تعالی گشوده است . این امر هر فرد و هر خلقی را با مسئولیتی بزرگ روبرو میسازد . لطفا بر من خرده نگیرید اگر بگویم که انتشار این کتاب به زبان فارسی گامی است کوچک در خدمت به روح انترناسیونالیستی دوران ما .

س- تصور می کنید که اقدام شما برای دیگران نمونه خواهد شد ؟

ج- در درجه اول امید وارم که این کتاب فقط در آلمان انعکاس وسیع پیدا نکند ، بلکه به دست هر کس که زبان پارسی میدانند برسد ، تا نیا امید وارم این کتاب بزودی به آلمانی و دیگر زبانها ترجمه شود . بنظر من ما میبایست نویسنده که با نوشتن این کتاب زندگی خود را به خطر انداخته است این کار را مدیون هستیم . س- برای این گفتگو از شما متشکریم .



خبرهایی از ایران

آشنای مغازه داری در تهران اخیراً میگفت : " ناامنی های که برای مغازه داران ایجاد شده بد حدیست که هیچکدام آنها خواب راحتی ندارند ، زیرا نمیدانند فردا که به محل کار بروند ، آیا مغازه هنوز پا برجاست و یا بوسیله داروغه های آریامهری درهم کوبیده شده و یا از طرف سازمان امنیت قتل مجددی روی در آنها خورده است و یا اینکه صبح مثل اجل معلق مفت خوران سازمان امنیت به مغازه ها میریزند و باج میخواهند و کاسه و کوزه مغازه دار را برهم میریزند . "

ظفار همچنان میرزمد

حدود دو هفته بعد از آنکه سلطان قابوس، دست نشانده امپریالیسم در عمان ادا کرد که بر میهن پرستان عمان پیروز شده و "شورش" ظفار پایان یافته، نیز پس از ادعای وزیر خارجه بریتانیا در مجلس عوام درباره سرکوب شورش ظفار کریستوفرلی خبرنگار روزنامه دیلی اکسپرس از عمان بازدید کرد و گزارشی از مشاهدات خود در این روزنامه انتشار داد.

کریستوفرلی مینویسد، در این کشور کوچک عربی سرایان انگلیسی در جنگ شرکت دارند و در پیکارهای خونین جان خود را از دست میدهند. او پنجم خود دیده که چگونه هلیکوپترها بر زمین می نشینند تا سرایان کشته و زخمی را ببرند. او توضیح میدهد که نظامیان انگلیسی ارتش مزدور قابوس را در جنگ علیه میهن پرستان عمان هدایت میکنند و آنها را با وسایل جنگی مجهز می نمایند. خبرنگار دیلی اکسپرس بر اساس مشاهدات خود مینویسد که، علیرغم ادعای سلطان قابوس و پشتیبانانش جنگ در همه جا ادامه دارد. او فاش میکند که در این جنگ علاوه بر ۱۰۰ افسر انگلیسی که ارتش قابوس را فرماندهی میکنند، و ۱۸ افسر دیگر انگلیسی که فرمانده گروههای ویژه هستند، دولت انگلستان مستقیماً سرایان انگلیسی را هم به جبهه فرستاده است، تا همراه مزدوران قابوس و سرایان اعزامی شاه ایران علیه میهن پرستان در ظفار بجنگند. بنا به نوشته کریستوفرلی، فرمانده ارتش قابوس یک ژنرال انگلیسی است و عملیات نظامی در ظفار هم توسط یک ژنرال دیگر انگلیسی فرماندهی میشود.

علت شرکت انگلستان در این جنگ بنا به نوشته دیلی اکسپرس کوشش برای حفظ سیادت بر منطقه مهم استراتژیک عمان و کنترل راههای آبی صدور نفت است. خبرهای رسیده از جبهه جنگ عمان حاکی است که نیروهای جبهه آزادیبخش عمان فقط در ظرف چند روز اول سال ۱۹۷۶، ۲۴ توپ دشمن را منهدم کرده و تلفات سنگینی بر نیروهای انگلستان، شاه و قابوس وارد کرده اند. این خبر روزنامه ملی اکسپرس نشان میدهد که بر خلاف ادعای قابوس، وزیر خارجه انگلستان و تبلیغات دربار ایران مبارزه نیروهای آزادیبخش نه تنها متوقف نشده بلکه حدت بیشتری نیز یافته است. از طرف دیگر نوشته دیلی اکسپرس نشان میدهد که شاه ایران سرایان ایرانی را بخاطر منافع امپریالیسم بکشتن میدهد و وادار به آدمکشی میکند این آدمکشی در خانه همسایه است، بنابراین مبارزه برای پایان دادن به تجاوز نظامی شاه به عمان، برای بازگشت فوری سرایان ایرانی از عمان، تبدیل به یک مبارزه ملی گردد.

عصیان چادر نشینان تهران

شاه همیشه میکوشد روزهای تاریخی ما را، بهر نحوی شده، لجن مال کند. از جمله ۱۶ آذر را روز "لزبون خدمتگزاران پشیمان" مینامد تا چهره ضدبشری خود را زیر نقاب بشردوستی پنهان کند. ولی اینبار خاطره گرامی ۱۶ آذر، روز شهادت سه دانشجوی توده‌ای و مصدقی را تنها ما دانشجویان نبودیم، که در شرایط دیکتاتوری فاشیستی شاه زنده کردیم، بلکه این بار صدای جنوب شهریهما: دروازه‌غاری‌ها و خان‌آبادی‌ها، تمام شهر را تکان داد.

دو سال پیش بدنبال ربهز باران و برف شدید، تقریباً تمام جنوب شهر تهران را آب فرا گرفت. مجروف است که با کندن یک متر از سطح زمین میشد به آب رسید. آبهای زیرزمینی در جنوب تهران بحدی بود، که نیم بیشتر خانه‌ها فرو ریخت و یا فرورفت و حتی پادگان ژاندارمری نیز بی‌نصب ماند و ۵۰ عدد چپ‌را در اثر فرورفتگی در زمین از دست داد، که پس از مدت‌ها آنها را از گودال بزرگی بیرون آوردند. این سرنوشت پادگان ژاندارمری، که یکی از پادگان‌های مهم تهران بسته بود، حالا در نظر بگسیبند خانه‌های اطراف به چه روزی افتاده بودند.

پس از این جریان عده‌زبانی از مردم به نقاط دیگر کوچ کردند و عده‌ای نیز بی‌خانمان شدند و چون هیچ راهی بجایی نداشتند، به چادرهایی، که از پشم شیرخورشید برپاشده بود، نقل مکان کردند. اینها در حدود ۲ هزار نفر میشدند و دولت به آنها قول داده بود، که هرچه زودتر برای آنها خانه بسازد. اکنون پس از ۲ سال و اندی قول دولت همچنان در مرحله قول باقی مانده است.

از اینجا بود که کاسه صبر مردم زحمتکش و بی‌خانمان جنوب شهر تهران لبریز شد. آنها در نقاط مختلف جنوب شهر گردهم آمدند و با تظاهرات خیابانی خواستار خانه‌هایشان شدند.

تظاهرات آنها بدین ترتیب بود که مرد و زن و کودک دستهایشان را در دست همدیگر حلقه کرده بودند و بسوی شمال شهر حرکت میکردند. در بین اطفال

نقش خیانت آمیز پکن در آنگولا

روزنامه "ژورنال دی آنگولا"
فعالیت تفرقه افکنانه ما توسط
را در آنگولا مورد نکوهش شدید
قرار داده است

روزنامه فوق الذکر می نویسد: پکن به امید اینکه خلقهای آسیا و آفریقا و امریکای لاتین را همراه سازد، مدعی است که از جنبش انقلابی در هر گوشه جهان پشتیبانی میکند. اما اقدامات پکن در آنگولا درست عکس این ادعا را ثابت میکنند.

پکن به سازمانهای "فن ال" و "اونیتا"، که سازمانهای طرفدار امپریالیسم هستند، برای مپرساند.

رهبران چین از سالهای ۱۹۶۰ به سوی "هولدن روبرت" و سازمان دست نشانده "فن ال"، که به منافع انحصارات غرب خدمت میکند، دست یاری دراز کرده در دسامبر ۱۹۶۳ "روبرت" با وزیر امور خارجه جمهوری توده‌های چین "چن ای" در نایروبی ملاقات کرد. در این ملاقات از طرف چین به روبرت وعده همه‌گوشه کمک و پشتیبانی داده شد. وی نیز به نوبه خود متعهد شد بهر وسیله که شده در وحدت و یگانگی خلق آنگولا اختلال نماید و علیه "جنبش در راه آزادی آنگولا" (ام پال) به ستیزه برخیزد.

سه‌سایین روزنامه اضافه میکند: "چندی پیش نمایندگان امریکا و چین پکن ملاقات کردند تا در مورد هماهنگی و تلفیق کمکهای خود به "فن ال" قرارومدار بگذارند. پس از این ملاقات پکن یک مرسوله جدید اسلحه برای مبارزه علیه میهن پرستان آنگولا ارسال داشت و کارشناسان نظامی خود را به اردوگاه "فن ال" در زامبیا اعزام کرد.

در ماه ژوئیه سال جاری "هلدن روبرت" طی مصاحبه‌های با روزنامه لوموند فرانسه اظهار داشت که تمام سربازان وی زیر دست کارشناسان نظامی چین آموزش دیده‌اند و او از کمکها و پشتیبانی بی‌دریغ پکن برخوردار است. روزنامه ژورنال دی آنگولا ادامه میدهد: "رهبران پکن در عین حال به سازمان ارتجاعی دست نشانده دیگری در آنگولا، یعنی "اونیتا" نیز کمکی میکنند. بدین ترتیب پسکن که پیش از همه درباره "دفاع از حقوق خلقها

کوچک" تبلیغ میکند، در عمل تلاش دارد سلطه خود را به آنها تحویل سازد و در مبارزه آنها بخاطر آزادی واقعی ملی خواری میکند.

یگر ما شوئیستها، که از مرتجعین و دشمنان خلق آنگولا پشتیبانی میکنند، باید خود را در برابر جهان‌نیان بمنابه دستیاب را ن واقعی ا مپریالیسم رسوا میسازند."

ولی آنگولا پیروز میشود

دوماه است که در آنگولا نبردهای شدیدی بین نیروهای مسلح این جمهوری جوان با نیروهای امپریالیستی، نژادگرا و ارتجاع ادامه دارد. علاوه بر کمکهای سرشار تسلیحاتی به نیروها علیه دولت قانونی برخاسته‌اند، محافل امپریالیستی سیاست محاصره اقتصادی آنگولا را نیز در پیش گرفته‌اند.

در تمام این تلاشها ارتجاع یک هدف را تعقیب میکند: خفه کردن دولت جدید مستقل جوان افریقای در گهواره.

محافل امپریالیستی و ماژویستی برای توجیه اقدامات خرابکار خود در برابر خلقهای افریقا و محافل مترقی جهان تلاشهای زیادی بکار میبرند تا حوادث آنگولا را واژگونه جلوه دهد. برای این منظور مواضع کشورهای سوسیالیستی و خطی سیاست خارجی اتحاد جماهیر شوروی را تحریف میکنند.

در مقاله‌ای که در روزنامه پراودا مورخ ۳ ژانویه ۱۹۷۶ انتشار یافته است در این زمینه چنین آمده: " برای اینکه خط مشی اتحاد شوروی در این مسئله کاملاً مشخص گردد، ناگزیر باید خدمت اصولی‌ای را که اتحاد شوروی در مسائل مبارزه رهائی بخش ملی خلقها بطور کلی و از جمله در این مسئله مشخص تعقیب میکند، یادآور شویم.

اتحاد شوروی که نسبت به وظائف انترناسیونالیستی خود صادق و وفادار است، به نیروهای میهن پرست آنگولا و " جنبش در راه آزادی آنگولا (ام پال آ) همه گونه کمک مادی و معنوی نموده و خواهد کرد و بهیچوجه کوشش ندارد این کمک و پشتیبانی خود را پنهان کند.

این اقدامات با قطعنامه معروف سازمان ملل متحد درباره لغو استثمار و مصوبات سازمان وحدت افریقا توافق کامل دارد.

در حال حاضر کمکهای اتحاد شوروی به دولت قانونی جمهوری توده‌ای آنگولا این کشور را از سوء قصد و تجاوز محافل امپریالیستی و ارتجاعی حفظ میکند و بدفاع از حق حاکمیت استقلال و تمامیت ارضی آن مساعدت میکند. اتحاد شوروی در آنگولا منافع خاص اقتصادی و نظامی و با منافع دیگر برای خود جستجو نمیکند. هرگونه ادعائی مبنی بر اینکه اتحاد شوروی میخواهد پایگاه نظامی در آنجا ایجاد کند، مانند ادعای مربوط به توسعه طلبی اتحاد شوروی در آفریقا دروغ محض است. پشتیبانی و کمک اتحاد شوروی به آنگولا مطلقاً ناشی از صداقت و وفاداری آن به امر صلح و مبارزه عادلانه خلقها علیه استعمار، نواستعمار و بخاطر آزادی و استقلال خلقهاست."



نماینده چین، اسپانیا، و شیلی در یک جبهه

.....

ش

اجلاس عمومی سازمان ملل متحد رژیم فاشیستی پینو
را محکوم میکنند

سایمین اجلاس عمومی سازمان ملل متحد در روز سه شنبه ۹ دسامبر ۱۹۷۵ در قطعنامه‌های خودتای نظامی در شیلی را محکوم کرد و خواستار اقدامات در جهت برقراری مجدد حقوق بشر در شیلی شد. در این قطعنامه "حق هر فرد بداشتن آزادی و امنیت بویژه کسانیکه فقط بدلائل سیاسی زندانی هستند" تاکید شده است. این قطعنامه با اکثریت ۹۵ رای بتصویب رسید. نمایندگان رژیم‌های فاشیستی اسپانیا، شیلی و ۹ کشور دیگر امریکای لاتین علیه این قطعنامه رای دادند. نماینده مائوئیست چین در رای‌گیری شرکت نکرد.

دبیرخانه خارجی سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران (ا و د ی سی) در مانیفست آزادی خود خطاب به سازمان ملل متحد از سایمین اجلاس عمومی خواستار محکوم ساختن خودتای نظامی در شیلی و برقراری مجدد آزادی‌های دمکراتیک و احترام به حقوق بشر در شیلی، شده بود (رجوع شود به آرمان شماره ۷) .

بمناسبت سال المپیک **رژیم شاه و ورزش**

در اوائل آذر ماه امسال يك تیم مشت زنی رومانی بدعوت فدراسیون مشت زنی وارد ایران شد .

در رشت فدراسیون فقط بخاطر تبلیغات و نه ورزش چندین جوان را که دارای هیچگونه تمرین و سرپرستی نبودند در مقابل افراد تیم رومانی که یکی از تیم های ضعیف این کشور است وارد رینگ کرد . حتی "مجله دریاری" "جوانان رستاخیز" (شماره ۲۵، ۱۳ آذر ۱۳۵۴) اذعان میکند که "رومانی ها تیم اول خود را به تهران نفرستاده بودند ."

در وزن ۴۸ کیلوگرم نادر حقیقی را در مقابل حریف رومانی قرار دادند . با وجود اینکه مربی های فدراسیون در هنگام مسابقه میدیدند که از صورت نادر حقیقی خون جاری است بعلت عدم احساس مسئولیت در مقابل ورزش و جوانان مسابقه را قطع نکردند . نادر پس از پایان مسابقه حالش بهم خورد و بیهوش شد . در اثر نبودن سرپرستی دلسوز و فقدان پزشک و درمان مرد .

علت وجودی این سازمان نیز چون بسیاری از دیگر موسسات کشور تبلیغ برای خانواده منفور پهلویست . فدراسیون وقاحت را پس از این جنایت چون "شاهنشاه" به حد اعلی رسانده و در تهران در برابر بیش از ۳۰۰۰ جوان که برای تماشای مسابقات تهران آمده بودند علت مرگ نادر حقیقی را چنین اعلام کرد . "نادر حقیقی که در اثر حادثه ای از بین رفت و حادثه از این قرار بوده که حقیقی وقتی مسابقه اش تمام می شود و می خواسته است به رختکن برود در راهرو به زمین میخورد و بر اثر زمین خوردن ناراحتی برایش بوجود میاید و از بین میرود" !!

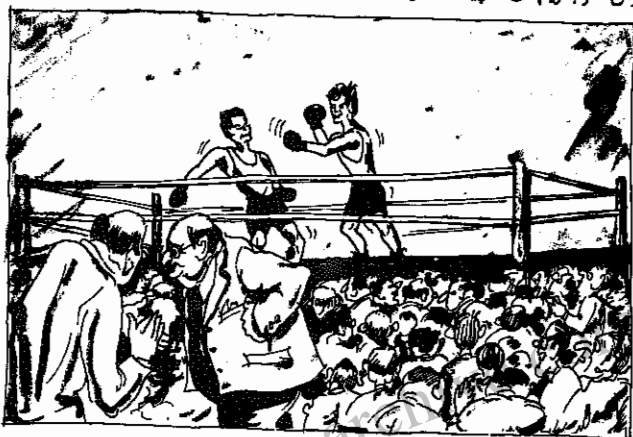
تماشاگران از این دروغ پردازی بقدری بخشم آمدند که دبیر فدراسیون را هت کردند . جوانان ایران و ورزشکاران که هر روز بیش از پیش با این رژیم جنایت - پیشه برخورد میکنند، خواهان سزای این رژیم میشوند چه ، این رژیم برای ایشان جز فلاکت ، زجر و مرگ (چه در میدانهای جنگ تجاوز کاران و چه در رینگ) ارمغان دیگری نمیتواند با خود همراه بیاورد .

* * *

در روزنامه های ایران گفتگویی "داغ" پیرامون کشور در گرفته است . شکستهای اخیر تیم های ورزشی ما در میدانهای جهانی موضوع این گفتگوهاست .

در مسکو تیم وزنه برداری ایران ، که روزگاری شهرت جهانی یافته بود ، از آخر دوم شد . در مینسک تیم کشتی ما ، که دو بار ، به مقام قهرمانی جهان رسیده بود ، فارده هشتم نزول کرد . تیم واترپلو ایران ، که در مسابقات آسیائی تهران "مدال های

طلا را درو کرده بود " در کلمبیا در قعر جدول قرار گرفت و تیم شمشیر بازی (امید ایران در بازیهای المپیک) در مسابقات بوداپست به مقام "هیچ" رسید .



گزارشگر : چرا این جوانی را که هیچگونه تمرین ندارد ، در مقابل قهرمان سوم اروپا قرار داد مایند ؟ • نکند پمیرد

دبیر فد راسیون مشتزنی : اون مهم نیست ، فقط شما تلاش کنید که مردم باور کنند که شاهنشاه ب ورزش اهمیت میدهند .

می پرسند این ناکامی ها از کجا سر چشمه میگردد ؟ هرکس دیگری را مسئول میدانند هر کس در خیال خود بدنبال مقصر میگردد • یکی از مدیریت بد سخن میگوید و دیگری نداشتن بودجه و کمبود امکانات ورزشی را عامل عقب افتادگی هولناک ورزشی ایران میخوانند • اینها همه بجای خود هولی ریشه درد جای دیگری است • مقصر اصلی دربار خائن پهلوی در پهنای ورزش کشور اعمال میکند • ورزش ایران از یکسو بدون سازمان مبدون بودجه مبدون مربی و اداره کتبد است ، و از سوی دیگر معلوم نیست به چه دلیل دربار پهلوی آنرا "ارث پدری" خود میدانند و چون بختک روی آن افتاده است •

در پهنای ورزش ایران "خود نمائی" بسیار است • هم شاه • هم فرج • هم برادران او برادرزادگان و خواهرزادگان شاه خود را "ورزشکار و ورزش دوست" جا میزنند • هم سپهبدان و آجودانهای آنها که بوئی از ورزش نبرد مانند • در حرف همه اینها

میخواهند در ایران "یک ملت ورزشکار" بسازند.

بود چه ورزشی کشور هر سال روی کاغذ چند ده درصد افزایش میابد، هر روز در گوشه‌ای از مملکت با جوف چند "سالن ورزشی و استخر و میدان بازی" ساخته میشود. ولی در عمل بودجه ورزشی ما هنوز سرانه از یک تومان کمتر است و از این یک تومان شاه و دارودسته او حضرت عباسی $\$$ ریال آنرا بین خود تقسیم میکنند

گردانندگان رژیم برای حیف و میل بودجه کشور بنام ورزش گاه به ولخرجی‌های شگفت‌انگیز دست میزنند. بعنوان نمونه در جریان بازی‌های آسیائی که هدف آن تنها تبلیغ پیرامون شاه و انقلاب کذائی بود ۲۵ میلیارد تومان خرج کردند. برای پذیرائی از ورزشکاران، از شرق و غرب آسیا آشپز و پیشخدمت آوردند. بکارخانه‌های معظم خارجی سفارش گاردو بشقاب مخصوص دادند. برای آمدن و رفت سرپرستان تیمها اتومبیل‌های مرسدس بنز ۱۵۰ هزار تومانی خریدند فقط ۵۰۰ میلیون تومان خرج پذیرائی از "مهمانان" شد. از بودجه بازیهای آسیائی اصل رقم آن معلوم نیست ولی بنا بنوشته روزنامه‌های درباری، دارودسته شاه - سپهبد حجت کاشانی بین ۲۰ تا ۳۰ میلیون تومان به جیب زدند. حساب خود شاه و شاهپور غلامرضا "دورزشکار دیگر" جداست. تیمها در یک مورد - ساختن پنجم تالار ورزشی که رئیس تربیت بدنی تمام آنرا به پسر خود مهندس رضا حجت کاشانی کترات داد بیش از ۱۰ میلیون تومان دزدی شد. با آنکه خبر این دزدیها و سوءاستفادها بارها در مطبوعات کشور انعکاس یافت (کیهان ۲۷ آبان ۵۳ - آیندگان ۱۶ آبان و ۱۴ آذر ۵۳) ولی کسی از سپهبد و دارودسته او حساب نخواست. معلوم بود جنابشان این لقمه چرب را تنها نخورد هاند و بار دیگر "ورزش دوستان" در غارت بیت‌المال شریک بود هاند.

با اینحال این مدعیان ورزش که این چنین گستاخانه بودجه نهایت ناچیز ورزشی کشور را بدون هراس از بازخواست به جیب میزنند، گاه برای پرداخت حتی ۲۵۰ تومان دستمزد یک مربی ورزش از خود خست بخرج میدهند. روزنامه کیهان مورخ ۸ مهرماه ۱۳۵۴ مینویسد:

"چند سال است حقوق مربیان کشتی مرتباً پدید اخت نمیشود. تا ۶ ماه پیش عدای از مربیان برجسته تهران فقط ۲۵۰ تومان دریافت میکردند، که آنهم شش ماه به شش ماه به تعویق میافتاد. هر چند حقوق این مربیان اکنون به چهار صد تا ۵۰۰ تومان افزایش یافته است ولی باز هم این مبلغ به موقع پرداخت نمیشود."

سازمان تربیت بدنی در یکی دو سال اخیر حتی حقوق ۵۰ مربی قد راسیون کشتی را

که در باشگاهها مشغول بودند قطع کرده است."

ایران خود را نامزد برگزاری المپیک ۱۹۸۴ کرد است. یکی از دوندگان ایرانی بعد از پایان مسابقات آسیائی گفته بود :

"در این مسابقات همه چیز مجلل بود. ولی ما چیزی نشدید. از ما خواستند از مهمانان خود جلو بیفتیم. ولی ما جلو نیفتادیم. تا مبدأ آخستک پاره ما را ببینند. نامزدی ایران برای بازیهای المپیک نیز چیزی شبیه مسابقات پرخرج و بیهوده آسیائی. معلوم نیست کشوری که بقول یکی از مسئولان تربیت بدنی حتی پول برای خرید تشك گشتی ندارد (کیهان ۲۲ مهرماه ۱۳۵۴) جز با شیپورهای تبلیغاتی خود با چه چیز میخواهد در المپیک ۱۹۸۸ شرکت کند."

در پایان ابانماه امسال هیئت اجرائی کمیته المپیک ایران با حضور شاهپور غلامرضا و سپهبد حجت کاشانی تشکیل جلسه داد. میخواستند ببینند تا آنوقت چه اقدامات باید انجام دهند. در این جلسه نخست مسئولین همه فدراسیونها زبان بشکایت گشودند که بودجه ندارند. گفتند بدون پول چرخ ورزش نیگردد و حالا که ما پول داریم و خرج ورزشی نمیکنیم، پس کی میخواهیم به وضع فلاکت بار ورزش سرو سامان بدهیم.

روزنامه کیهان مورخ ۲۱ آبان ماه ۱۳۵۴ مینویسد: "مهندس قوام شاهکار رئیس فدراسیون دو میدانی خطاب به شاهپور غلامرضا گفت: — بودجه ما ۷ میلیون تومان کسر کرده اند."

روزنامه کیهان در شماره ۲۲ مهرماه خود اطلاع داده است که ۱۵ باشگاه از چهل باشگاه ورزشی تهران بعلمت دشواری های مالی بساطت بخود را جمع کرده اند. مدیران این باشگاهها گفته اند: "تنها کمکی که از طرف سازمان تربیت بدنی بما میشود ۲ هزار تومان است که این پول حتی کفاف هزینه آب و برق ما را هم نمیدهد. از شهرستانها صحبت نمیکنیم که حتی برای خرید یک توپ بازی مجبورند ماهها و سالها به سازمان تربیت بدنی نامه بنویسند. از روستاها مثال نمیآوریم که چه بسا جوانان آن حتی نام ورزش را نشنیده اند. در همین تهران "علی خضری" جوان پر استعداد بوشهری را که با سلام و صلوات به تهران آورده بودند تدر رشته پرتاب دیسک تمرین کند، بعلمت آنکه نخواستند روزی ۳۵ تومان هزینه اقامت او را بپردازند. با خواری رانندند (آیندگان ۲۳ مهر ۱۳۵۴)."

این برخورد، این رفتار ضد ملی با ورزش است که آنرا اینچنین عقب مانده و خوار کرده است. رژیم محمد رضا شاه برای تازه انداختن خیمه شب بازی تاجگذاری و برای براه انداختن سیک ۲۵۰۰ سالگی، برای سرهم کردن بازیهای تبلیغاتی آسیائی و برای جاروجنجال زشت ۵۰ سالگی دودمان پهلوی و برای خریدهای هنگفت اسلحه و

استخدام سیل مستشاران امریکائی جنگ پلید خود در عمان کهکلیک به انحصارهای ورشکسته امپریالیستی و رژیم‌های ارتجاعی در چهار گوشه جهان بود چه دارد هولی برای ورزش ایران که سلامت و سعادت نسل جوان کشور مربوط میشود و حتی برای حفظ و نگهداری چهار تاونصفی باشگاه ورزشی که زیر گوش خودش در تهران لگولگ میکند پول ندارد.

ورزشکار را در کارخانه نمیتوان ساخت. در آب حوض نمیتوان باو شنا آموخت، روی زمین عریان نمیتوان کشتی گرفت. ورزش ایران به بودجه کافی، کادر دلسوز و سازبان وسیع و کارا نیازمند است. کشورهاییکه در ورزش پیشرفته‌اند، راهی غیر از شاه پیروزانه

مطبوعات ایتالیا در روز ۲۳ نوامبر ۱۹۷۵ خبر داده، که هنرمندان سیدمائی ایتالیا بعنوان اعتراض به رژیم شاه از شرکت در فستیوال تهران خودداری میکنند.

در زیر ترجمه مقاله روزنامه Paesa Sera را میاوریم.



سازمان هنرمندان سینمای متعهد ایتالیا، بعنوان اعتراض به تهران نمیرود هیات مدیره، جدید سینماگران متعهد ایتالیا، که در حضور مارکو بلیوکیو Marco Bellocchio، رئیس این سازمان تشکیل جلسه داد، با توافق آراء تصمیم گرفت در سمینار بین المللی، که از طرف کنفدراسیون بین المللی سینما در تهران در روزهای ۲۶ نوامبر تا ۲ دسامبر ۷۵، هر کادر فستیوال بین المللی سازمان داده شده بود، شرکت نکند.

آنان علت این تصمیم خود را چنین اعلام کردند:

"بعادت شرایط سخت موجود در ایران، که دیکتاتوری فاشیستی طبقه حاکمه و شخص شاه بطور دائمی و با بهره‌رسانی کامل اختناق خدمه کراتیکی را اعمال میکند، جنایاتی که اخیراً در شهر ونیز بوسیله نمایندگان مستندی افشا شد."

نظری به عمق بحران لبنان

در روزنامه‌های طوطی صفت ایران به تقلید از تبلیغات امپریالیستی کوشش بعمل می‌آید که جنگ داخلی در لبنان را جنگی مذهبی بین مسیحی و مسلمان جلوه دهند. هدف آنها انحراف افکار از ریشه و سبب‌های پیدایش بحرانهای خونین این کشور است که تنها در سایه ویژگی‌های تاریخی لبنان شکل مذهبی بخود گرفته است. پرده ظاهری مذهبی را باید کنار زد و به پشت آن به عمق مسئله نگریست تا آنچه نهفته است هویدا شود.

ابتدا باید به خاطر آورد که بحران در لبنان مدت‌ها قبل از تبدیل آن به زد و خوردهای خونین آغاز آن بزمانی میرسد که بدنبال کشتار فلسطینیها در اردن تعداد آنها در لبنان افزون گشت و لبنان پایگاه عمده آنها گردید.

از طرف دیگر میدانیم که موضوع احقاق حقوق خلق فلسطین مسئله گروهای در حل بحران خاورمیانه عربی است و تا این مسئله حل نشود هر سیاست "گام به گام" حتی اگر در گام اول ظاهراً موفقیت کسب کند در آخرین نتیجه با شکست قطعی روبرو است. بدیگر سخن اگر مسئله فلسطین نبود سیاست "گام به گام" کمینجر احتمال موفقیت داشت و چون چنین مسئله‌ای هست چنان احتمالی نیست پس اگر جنبش فلسطین نباشد یعنی ناپدید شود مراد امپریالیسم و صهیونیسم حاصل است. از اینجاست امپریالیسم آمریکا در هم آهنگی با سیاست صهیونیستی اسرائیل (بیمارانهای مداوم فلسطینیها در لبنان) در صدد برآمد توسط حزب قاشیستی کتائب و دیگر نیروهای ارتجاعی لبنان جنبش فلسطین را ناپدید کند تا بدین وسیله مسئله فلسطین خود بخود از سر راه سیاست "گام به گام" برداشته شود.

حتی نحوه آغاز زد و خورد در لبنان خود به قدر کافی گویا است. روز ۱۳ آوریل ۱۹۷۵ کمانده‌های حزب قاشیستی کتائب اتوبوسی را که اعضاء جبهه آزادی بخش عربی A.L.F و خانواده آنها را از یک مراسم سوگواری باز میگرددند به گلوله بستند. در این تهاجمی که در محله مسیحی نشین عین الرمانه رخ داد ۲۸ نفر فلسطینی که چند نفر از آنها زن و کودک بودند کشته شدند و عده‌ای دیگر بسختی مجروح گشتند. اما عمال امپریالیسم و صهیونیسم در لبنان نتوانستند این کشور را مانند اردن بدل به کشتارگاه فلسطینیها کنند. نیروهای مترقی و زحمتکش لبنان (که اغلب مسلمان هستند) پیشتیانی از فلسطینیها در برابر کمانده‌های کتائب و دیگر نیروهای راست (که اکثر مسیحی هستند) به مقاومت برخاستند.

حالا که تا حدودی به ماهیت مسئله پی بردیم باید به این پرسش نیز پاسخ گوئیم که چرا جنگ داخلی در لبنان رنگ مذهبی دارد. سبب آن را در نگاهی بویژگی

تاریخی لبنان میتوان یافت *

لبنان یگانه کشور عربی است که بخش مهمی از اهالی آن مسیحی هستند * اینان در دوران جنگهای صلیبی بطرفداری از صلیبیون برخاستند و در نتیجه بعداً در دوره حکومتهای اسلامی در معرض تبعیضها قرار گرفتند * پس از آنکه استعمارگران اروپا به لبنان نفوذ کردند و بویژه پس از آنکه لبنان تحت قیمومیت فرانسه (از ۱۹۱۸ تا ۱۹۴۳) قرار گرفت وضع مسیحیان دگرگونه شد و مورد حمایت ویژه قرار گرفتند * حمایت خاص استعمارگران فرانسوی از آنان باعث شد که در جریان رشد سرمایه‌داری بورژوازی دلال و قشر بزرگی از سرمایه داران متوسط از میان مسیحیان پدید آمد که در مجموع پایگاه اجتماعی استعمار فرانسه را تشکیل میدادند * تقسیم بندی طبقاتی جامعه لبنان بتدریج چنان شد که زحمتکشان بیشتر مسلمان و ثروتمندان بیشتر مسیحی هستند * کلیسای مسیحی در این روند تقسیم بندی طبقاتی جامعه لبنان نقش بسیار موثری ایفا کرد و هم اکنون نیز یکی از عوامل مهم قدرت ارتجاع در لبنان است *

تقسیم بندی قدرت از لحاظ اشغال پستهای حکومتی در لبنان امروزی بر مبنای منشور ۱۹۴۳ (هنگام الغاء قیمومیت استعماری فرانسه) قرار گرفته که طبق آن تمام مقامات دولتی باید به نسبت ۵ بر ۶ بین مسیحیان و مسلمانان تقسیم گسرد * از ۹۹ نماینده پارلمان ۵۵ نفر میبایستی مسیحی باشند * رئیس جمهور باید مسیحی نخست وزیر سنی و رئیس مجلس شیعه باشد * این تناسب مبتنی بر سرشماری ۱۹۳۲ است * در حالیکه امروز نسبت جمعیت تغییر کرده و حدود ۶۰٪ از اهالی مسلمانند اما باید بویژه توجه داشت که قدرت واقعی سیاسی مسیحیان مبتنی بر قدرت اقتصادی آنهاست *

این ویژگیهای جامعه لبنان باعث شده که تضاد های طبقاتی و زد و خورد ها رنگ مذهبی بخود بگیرد و بحران کنونی نیز بر همین مبنای مشکل مذهبی جلوه میکند * نتیجه آنچه که گتیم اینست که بحران لبنان فقط شکل مذهبی دارد * این مسئله بحرانی است که ابتدا با اشاره امپریالیسم امریکا و توسط حزب فاشیستی کائب مقصد نابود کردن جنبش فلسطین آغاز شد ولی به هدف نرسید و بتدریج بغرنج گردید و اینک بصورت یک بحران سیاسی - نظامی - طبقاتی - اجتماعی در آمده است * امپریالیسم امریکا به هدف دامنشانه خود نرسید در عوض بحران خونین لبنان با تمام حدت و شدت این مسئله را در برابر جامعه لبنان مطرح کرده که کشور به یک رشته اصلاحات اجتماعی اقتصادی و سیاسی نیاز مبرم دارد *



پاسخ دندان شکن اونیٹا به سفارت ایران

سفارت ایران، که از فعالیت‌های "کمیته متحده برای دموکراسی در ایران" هراسان شده، خبر روزنامه "L'Unita" مربوط به کنفرانس "کمیته متحده" در سالن نمایشگاه ونیز در روز ۲۹ اکتبر ۱۹۷۵ را تکذیب میکند که به بی‌آبرویی بیشتر رژیم ختم میشود. اونیٹا در روز ۱۶ نوامبر ۷۵ این نامه را همراه با پاسخ دندان شکنی به این نمایندگان شاه جلاد در معرض افکار عمومی میگذارد. آرسائی ترجمه و اصل مقاله اونیٹا را از اعلامیه جوانان و دانش‌جویان دموکرات ایران در ایتالیا در زیر درج میکند.

Il dramma dei prigionieri politici in Iran

La lettera, nella sua epitetica laconicità, non richiede alcuna risposta, tanto palese è la sua e non corrispondenza al vero». La tragica condizione delle libertà civili nell'Iran e delle decine di migliaia di prigionieri politici, torturati o assassinati dagli aguzzini della SAVAK, sono ben note a tutta l'opinione pubblica democratica ed antifascista, in Italia e nel mondo; e ne hanno dato documentata testimonianza anche i numerosi osservatori che, in un modo o nell'altro e malgrado la volontà del governo di Teheran, sono riusciti a recarsi in quel tormentato Paese. Un consiglio, dunque, al responsabile dell'«Imperiale» ufficio stampa: si risparmi per il futuro simili fatiche e rinunci a dirimare «smentite», che lasciano il tempo che trovano e si ritorcono anzi contro i loro autori.

سفارت در نامه فوق الذکر مینویسد: «آنچه در رابطه با زندانیان سیاسی ایران است با واقعیت وفق نمیدهد» اونیٹا تحت عنوان درام زندانیان سیاسی ایران مینویسد:

"یک چنین نامه خلاصه و خشکی بخودی خود نیاز به پاسخ ندارد. اینک "با واقعیت وفق نمیدهد" نیز جویان روشنی است. شرایط اندوهبار آزادی‌های اجتماعی در ایران، وضع دهها هزار زندانی سیاسی، شکنجه و قتل آنها توسط ما موران ساواک دیگر با آنکه کافی از طرف افکار عمومی دموکراتیک و ضدفاشیستی در ایتالیا و جهان شناخته شده است و ناظرین خزر متعددی، که بترتیبی برخلاف اراده حکومت تهران موفق بدیدن این کشور اختناق‌زده شده‌اند، شواهد مستند و گویایی ارائه داده‌اند.

ما پندی برای مسئول دفتر مطبوعاته "شاهنشاهی" داریم: بهتر است درآینده بخود زحمت ندهید و در بخش تکذیب نامه‌هایی که باعث اتلاف وقت‌اند و با ضرر خود نویسندگان شما می‌شوند، صرفه‌جویی کنید.

آرمان و خوانندگان

دوست عزیز پیگیر: شما مینویسید "در شماره ۸ میخوانم که دوستی به نام مرتضی از آلمان خواهان دریافت نسخه‌ای از ضمیمه شماره ۱ "آرمان" میباشد. چون دو شماره از آنرا در اختیار داشتم یکی را توسط آدرس شما برای آن دوست میفرستم." آرمان - از لطف و دقت شما بسیار ممنونیم و امیدواریم با همکاری و دلسوزی شما دوستان بر مشکلات فائق آئیم. ضمیمه شماره ۱ را برای مرتضی فرستادیم.

انگلیس: ساشا: نامه دوم شما را دریافت کردیم. پیگیری و علاقه شما در مورد پخش وسیع‌تر آرمان و دیگر نشریات "دبیرخانه خارجی جوانان و دانشجویان" قابل ستایش است. از اینکه توانسته‌اید جوانان و دانشجویان شهر مجاور محل اقامت خودتان را بوسیله ابتکارات گوناگون با آرمان آشنا کنید، ممنونیم.

زمان مینویسد "درودهای پرشور مرا بپذیرید شاد و بیروز باشید. شما آرمان را، تا شماره سوم برای ما ارسال کردید و از آن پس آرمان قطعاً نمی‌رسد. علت چیست؟ در صورت امکان از شماره ۳ به بعد به تعداد ۴ شماره برای ما ارسال دارید."

آرمان - رفیق عزیز، علت آنست که شماره ۴ که به آدرس شما ارسال شده بود علت نبودن شما (مسافرت؟) بازگشت داده شد و ما تصور کردیم که آدرس شما عوض شده است. تا حد امکان شماره‌های گذشته را برایتان میفرستیم. از کم‌کم‌الی شما ممنونیم.

آرش: نامه دوم شما رسید. شما مینویسید "..... امیدوارم هرچه زودتر بتوانم کتابهایی را که میخواستیم از محل ذکر شده بوسیله شما فراهم کرده و به مطالعه آن بپردازم و مطمئن باشید که در صورت امکان، باکمال میل از هر گونه مدد مادی و معنوی مضایقه نخواهم کرد. دست شما را برادرانه میفشارم و آرزومند نابودی ارتجاع و استثمار در تمام دنیا، به ویژه هر میهن عزیزمان ایران هستم."

آرمان: مطمئن باشید که این روند تاریخی در جهان بدون وقفه پیش خواهد رفت و ریشه ارتجاع و استثمار را به زواله دان تاریخ خواهد فرستاد. در میهن ما نیز با تشدید مبارزه متشکل و اتحاد همه نیروهای میهن پرست میتوان و باید رژیم نکتت بار شاه را سرنگون ساخت.

عباس: از آلمان می‌نویسد "سلام مرا بپذیرید و در زندگی و کارهای سیاسی تا آن هر چه بیشتر موفق و کامیاب باشید. بعضی اوقات آرمان بطور نامنظم و نامرتبه‌په دستم میرسد و باعث میشود که از مسائل روز دانشجویی دیر یا کم مطلع گردم، باین جهت خود را ناچار می‌بینم که مستقیماً به شما رفقا بنویسم و خواهش کنم که

بعد از این مرتباً از هر نشریه آرمان تعداد ۳ نسخه به آدرس من بفرستید • من
کمک مالی نام رابه حساب بانکی آرمان خواهم فرستاد •
آرمان : تقاضای شما را با کمال میل انجام خواهیم داد •

علاسی : از اینکه بموقع تخییر آدرس خود را بما اطلاع دادید متشکریم • از این
پس نشریات ما به آدرس جدیدتان ارسال خواهد شد • آرمان با کمک مالی شما
میتواند وظیفه ای را که در برابر مبارزات جوانان و دانشجویان علیه استبداد
سیاه تقبل کرده انجام دهد •

گلاسکو : چهره : مینویسد " سلام مرا از فرسنگها بپذیرید • من يك دانشجوی
ایرانی هستم و از دوستان عزیزم خواهشمندم که تمام کتابها و مقاله هائی را که از
طرف این گروه پخش میشود برای من بفرستید • در ضمن برایم بنویسید که پول
چقدره ، آید پول را به حساب بانکی بریزم و یا همین طوری بفرستم • خوشبختانه
با هزاران زحمت گاه گاهی می توانم چند کتاب مفید گیر آورم ولی بعضی وقتها امکان
بدست آوردن آنها برایم خیلی مشکل میشه ، امیدوارم که این زحمت را قبول کرده
و هر کتابی را در اختیار دارید برایم بفرستید • قبلا از زحمات بی پایان شما متشکر
امیدوارم که روزی بتوانم فردی مفید باشم • "

آرمان : دوست عزیز • ۱- از این پس برایتان نشریات اودیسی ، اعلامیه ها ،
پلاکتهائی اودیسی را که بفارسی یا انگلیسی چاپ میشوند برایتان ارسال میکنیم
خواهیم داشت ، که مورد استفاده خود و دوستانتان قرار گیرد •
۲- کمک مالی خود یا قیمت نشریات ارسالی را با اضافه مخارج پستی میتوانید تحت
نام "چهره" به نشانه بانکی که در پشت صفحه آرمان چاپ شده است ارسال
دارید •

۳- خوشبختانه در این چندسال اخیر تعداد متناهی کتابهای مفید از نظر
مبارزات ضد امپریالیستی و ضد رژیم منتشر شده است که میتواند کمک بزرگی برای
شما باشد تا با مسائل حاد جهان و ایران آشنا شوید • ما لیست این کتابها را در
اختیارتان خواهیم گذارد • شما میتوانید از جمله به کتابخانه زیر مراجعه کرده و
کتابهای مورد علاقه خود را خریداری کنید • از امکان ما خارج است که برای شما
کتاب تهیه کنیم •

CLYDE BOOKS
Hilgh Street 292
Glasgo c4

ENGLAND

در نامه ای که از انگلستان برای "آرمان" ارسال شده از جمله نوشته شده: "ماثوئیستها شایع میکنند که گلسرخی تودهای نبوده و مصاحب تودهای او افسانه است." در صورتیکه این موضوع مستند شود که گلسرخی ماجراجو نبوده و تائیر بسزائی خواهد داشت."

آرمان: جز از روی اشعار، نوشته‌ها و گفته‌ها (از جمله دفاع گلسرخی در دادگاه) با چه وسیله دیگری میتوان مستند کرد، که گلسرخی در دوران دستگیری خود دیگر اعتقادی به مشی چریکی نداشته است؟ کسی ادعا نکرده است که گلسرخی تودهای نبوده است، رفیق تودهای طرف صحبت او فقط گفته است، که او به مشی چریکی دیگر اعتقادی نداشته و به مشی تودهای نزدیک شده است. خلاف اینرا هم تاکنون کسی نگفته و نتوانسته است بگوید.

اگر کسانی اینها را "افسانه" بدانند هیچ سند دیگری هم برای آنها قانع کننده نیست. چون مثلا خواهند گفت، این اسناد جعل شده است. وانگهی قضاوت ماثوئیستها نسبت به هویت سیاسی و عقیدتی اشخاص تنها باندازه قضاوت ساواک معتبر است. افرادی که برای دژخیمان شکنجه گر شاه در قتل فجیع رادمردی نظیر پرویز حکمت جو، کفازندند و همورا کشیدند رسواتر از آنند که معرف اعتقادات مبارزان تودهای یا غیر تودهای شوند. و اما ما جوانان و دانشجویان دمکرات نه تنها برای شجاعت بلکه بیشتر برای صداقت انقلابی گلسرخی در برابر نام او سر به احترام فرود آورد ایم. ما دست همکاری بسوی همه مبارزان صدیق ضد رژیم و ضد اامپریالیسم دراز میکنیم و اطمینان داریم که در این راه "گلسرخیهای" فراوان خواهد شکفت.

یکی از خوانندگان گرامی بنام "ستاره" در نامه‌ای حاوی "دردهای گرم و آرزوی موفقیت بیش از پیش" برای "آرمان" برای بهبود کیفیت کار "آرمان" انتقاداتی نموده است
شرح زیر:

توجه داده است که در شماره گذشته اصطلاح "مارکسیستهای اسلامی" در گیومه کافی نیست. لازم است به خوانندگان آرمان توضیح داده شود که این نام را ساواک به "مجاهدین خلق" داده است. و نیز اشاره کرده است که "حزب چپ کمونیستها" مستلزم توضیح بوده است. نتیجه گرفته است که در موارد لازم به توضیح اصطلاح‌ها یا نامها پرداخته شود.

توجه داده است که "میبایستی" ضمیمه‌های "آرمان" و هر نوشته‌ای که در "آرمان" یا توسط "آرمان" انتشار می یابد همراه با ارزشیابی و نظر "آرمان" باشد. - توصیه کرده است که مقالات تقسیم بندی شده در بخشهای جداگانه قرار گیرند و فهرست کوچکی از آنها در صفحه اول باشد.

— پیشنهاد کرده است که اضافه کردن "آقا" بنام مستعار لزومی ندارد و همان نام مستعار کافیست.
— سؤال کرده است که آیا "آرمان" غیر از تعبر آلمانی تعبر کشور دیگری را هم میزند یا نه؟

آرمان: مضامین نامه شما را بر شمردیم. از حسن نظر و همکاری شما با آرمان سپاسگزاریم. بیشتر انتقادات شما درست است و در آینده کوشش خواهیم کرد بد آنها توجه کنیم.
در باره نظر شما که ضمیمه‌های آرمان را باید بعنوان "وظیفه فرهنگی" ارزشیابی کنیم باید گفت مطلبی که بعنوان ضمیمه آرمان انتشار میابد، طبعاً بطور کلی از طرف آرمان مثبت ارزیابی شده است و الا به چاپ و انتشار آن مبادرت نمیگردیم.
اما ارزشیابی جزئیات یک رساله ضمیمه‌ای بر ضمیمه خواهد بود که فعلاً مقدور نیست و نه به نظر ما همیشه الزامی.
در باره تعبر پاسخ اینست که تعبر کشور اقامتگاه خوانندگان نیز پذیرفته میشود.

دوستی، که اخیراً از ایران مراجعت کرده، در مورد نامساوانی وضع مدارس که بود معلم و جا و سرگردانی دانش‌آموزان سخن میگفت، که هنوز — علی‌رغم دستورات "هما یونی" که از اول مهر باید همه دانش‌آموزان سرکلاس باشند — بسیاری از محصلین جای تحصیلی ندارند. از مقامات شهریه تنها کسانی برخوردارند که ۵ سال تعهد خدمت بعد از فراغت از تحصیل بپذیرند، و گرنه باید تنها برای کلاس‌های پانزدهم مبلغ ۲۰۰ تومان ماهیانه به‌پردازند.

کپک‌های رسیده

زمان ۷۰ مارک بصورت تعبر

کارل ۳۵ مارک

دانشجو ۳۰ مارک

هوشنگ ۱۵۰ مارک

۹۸ ۵۰ مارک

بی نام و نشان ۴۰ مارک بصورت تعبر



آرمان

نشریه دبیرخانه خارجی

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

ضمیمه آرمان (شماره ۵)

دی ماه ۱۳۵۴



خاندان پهلوی -

کانون دزدی و فساد

از مردم وطن ما
خواسته اند که به
استقبال "جشنهای
پنجاه سالگی سلطنت
پهلوی" بروند. آرمان
نیز با انتشار ضمیمه
شماره ۵، بنیوه خود
با استقبال این جشن
ها "رفته است".

ضمیمه شماره ۵ را
بدست آورید و بخوانید
و خواندن آنرا به
دوستان خود نیز
توصیه کنید.

آرمان

نشریه دبیرخانه خارجی

شماره بانکی

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

آدرس پستی

G. Sobich

Kreissparkasse Recklinghausen

Fil. Dorsten-Holsterhausen

Girokonto 1858974

Gustav Sobich

Friedenau 3

4270 Dorsten 3

West-Germany

ARMAN

Review of the Foreign Bureau of the Organization of Democratic Youth and Students of Iran

Price: 0,50 DM or its equivalent in all other countries